

داوود امیریان، نویسنده نام‌آشنای ادبیات دفاع مقدس در گفت‌وگو با قدس از دغدغه‌های این روزهای اهالی کتاب می‌گوید

زخم سانسور بر تن داستان‌های دفاع مقدس



نیایش احمدی | در میان نویسندگان ادبیات دفاع مقدس، نام داوود امیریان با ترکیبی از طنز، تخیل و روایت‌های انسانی از جنگ گره خورده است؛ نویسنده‌ای که از دهه ۷۰ با آثاری چون «رفاقت به سبک تانک»، «گردان قاطرچی‌ها» و «جام جهانی در جوادیه» توانست نسل تازه‌ای از مخاطبان را با فضای جبهه و جنگ آشنا کند؛ فضایی که در قلم او نه فقط میدان نبرد، بلکه صحنه‌ای از شوخ‌طبعی، رفاقت و زندگی بود.

امیریان که متولد ۱۳۴۹ در کرمان است، از نخستین نویسندگانی بود که روایت دفاع مقدس را از قالب‌های رسمی بیرون آورد و با نگاهی صمیمی و در عین حال هنرمندانه به میان مردم برد. آثار او بارها برنده جوایز ادبی شده و بسیاری از کتاب‌هایش در شمار پرفروش‌ترین آثار حوزه نوجوان قرار گرفته‌اند. در سال‌های اخیر گرچه حضورش در بازار نشر کمتر شده، اما او همچنان یکی از چهره‌های فعال و اثرگذار ادبیات جنگ محسوب می‌شود. امیریان می‌گوید این فاصله، نشانه کناره‌گیری از نوشتن نیست، بلکه نتیجه شرایط زمانه و سخت‌گیری بیشتر خودش در مسیر نویسندگی است. این گفت‌وگو در شرایطی انجام شد که این نویسنده برای شرکت در یک نشست به مشهد آمده بود. امیریان از دغدغه‌های این روزهایش تا نگاهش به زبان روایت، نقش طنز در ادبیات جنگ، چالش‌های انتشار اثر و حتی دیدگاهش درباره هوش مصنوعی سخن گفت.

■ در نوشتن سختگیر شده‌ام

او در گفت‌وگو با ما درباره علت کم‌کاری‌اش در سال‌های اخیر گفت: به هیچ وجه فاصله‌ای از نوشتن نگرفتم. بعضی وقت‌ها شرایط زمانه طوری پیش می‌رود که نویسنده کمتر دیده می‌شود یا آثارش در روند انتشار معطل می‌ماند. گاهی هم خود نویسنده به مرور سختگیرتر می‌شود و می‌خواهد اثری بنویسد که از نظر خودش کامل‌تر باشد. شاید از بیرون این موضوع به صورت فاصله دیده شود، اما در واقع من همیشه مشغول نوشتن بوده‌ام. در حال حاضر اثری درباره حاج‌قاسم سلیمانی نوشته‌ام که کار نگارشش تمام شده، اما هنوز به انتشاراتی ن داده‌ام و برای سال آینده منتشر می‌شود.

نویسنده «جام جهانی در جوادیه» درباره زبان و شیوه روایت در داستان‌نویسی دفاع مقدس توضیح داد: یکی از آسیب‌هایی که در این حوزه می‌بینم، استفاده افراطی از زبان روز و واژه‌های امروزی است. بعضی نویسنده‌ها فکر می‌کنند اگر قرار است برای نسل امروز بنویسند، باید حتماً از لحن و اصطلاحات همین دوره استفاده کنند، در حالی که این نگاه اشتباه است. اگر هدف، ماندگاری و ارتباط طولانی‌مدت با خواننده باشد، زبان باید فراتر از زمان باشد. باید طوری بنویسیم که اگر ۳۰ یا ۵۰ سال بعد هم کسی داستان را خواند، همچنان با آن ارتباط بگیرد. شخصاً تلاش می‌کنم از واژه‌هایی استفاده نکنم که محدود به دوره خاصی هستند، هر چند در نهایت سلیقه‌ها متفاوت است و هر نویسنده مسیر خودش را دارد. او افزود: در واقع ما نباید دفاع مقدس را در قاب زمان حال حبس کنیم. آن دوران، بخشی از هویت تاریخی و فرهنگی ماست. باید طوری روایت شود که نسل‌های آینده هم بتوانند با آن همذات‌پنداری کنند. استفاده از زبان فاخر و در عین حال صمیمی، یکی از راه‌های ماندگار کردن این آثار است.

■ ما هنوز داستان‌نویسی درباره آن سال‌ها را شروع نکرده‌ایم

امیریان با تأکید بر اینکه ظرفیت‌های دفاع مقدس هنوز دست‌نخورده مانده است، گفت: جنگ ۱۲روزه یا موضوعات مشابه هر کدام جای خودشان را دارند، اما درباره هشت سال دفاع مقدس ما هنوز به طور جدی وارد داستان‌نویسی نشده‌ایم. با وجود این همه کتاب و اثر، من معتقدم تازه در ابتدای راه هستیم. آن سال‌ها پر از ماجرا و روایت‌های انسانی است که هنوز ناکفته مانده‌اند. هر گوشه از آن دوران می‌تواند سوژه یک رمان باشد. ما هنوز فقط سطح رویی را نوشته‌ایم و عمق آن باقی مانده است. او ادامه داد: به نظر من داستان‌نویسی درباره جنگ

فرهنگ و هنر

لیلا نوعی | نام مژده لواسانی

مجری آشنای صداوسیما، این روزها نه در مقام مجری بلکه در جایگاه شاعری که مسیر شعر را آرام و پیوسته و به دور از هیاهوی چهره بودن دنبال کرده، پیچیده است. شاعری که می‌کوشد میان اجرا، نوشتن و زندگی حرفه‌ای‌اش صدای شخصی شعر را حفظ و آن را به مخاطبان امروز نزدیک‌تر کند. مراسم رونمایی و جشن امضای مجموعه شعر «درخت‌ها قرار نمی‌کنند» اثر مژده لواسانی، به تازگی در خانه هنرمندان ایران با حضور جمعی از اهالی قلم، سینما و علاقه‌مندان ادبیات برگزار شد. انتشار این مجموعه تازه، بهانه‌ای شد تا پای گپ‌وگفت با او بنشینیم و از آغاز دلبستگی‌اش به شعر و دغدغه‌اش برای زنده نگه داشتن سهم شعر در زندگی امروز سخن بگوییم.

■ مسیر شعر نوشتن «مژده لواسانی» از کجا آغاز شد و نخستین کتاب چگونه شکل گرفت؟

خانواده من به خصوص خاله و دایی‌ام اهل شعر و ادبیات بودند، من هم به همین واسطه به شعر به خصوص سپید علاقه‌مند شدم. در ۱۲سالگی با همان توانایی ابتدایی، اولین شعری که به نظر خودم شعر می‌آمد را نوشتم. آن را برای «دوچرخه»، صمیمیه روزنامه همشهری ارسال کردم.

هفته بعد شعرم چاپ شد، جرقه‌ای در ذهنم زد و مسیر را جدی‌تر گرفتم. همان شعر بهترین شعر از طرف نوجوانان انتخاب شد و من از طرف همشهری دعوت شدم در سالن وزارت کشور شعرم را جلو رئیس جمهور وقت بخوانم. این ماجرا من را مصمم کرد و صدایی در ذهنم گفت که تو در آینده شاعر خواهی شد. هنوز هم دفاتر شعر کودکی و نوجوانی‌ام را دارم، آرام‌آرام نوشتن و تمرین کردم تا سرانجام سال ۹۵ یک مجموعه نثر کوتاه به توصیه «سیدمهدی شجاعی» در انتشارات نیستان منتشر کردم. در آن مجموعه کارهای مذهبی هم داشت.

■ شاعر مورد علاقه خودتان که بود؟

از کودکی و نوجوانی طرفدار شعرهای سهراب سپهری بودم و از ۱۲سالگی هم عاشق اشعار فروغ فرخزاد و شاملو شدم.

■ در شعرهایی که امروز می‌گویید، تأثیری از این شاعران هم گرفتید؟

سبک شعری من با سهراب یکی نیست، اما در مورد گروس عبدالملکیان، او در واقع تربیت شاگردان و زیست شاعرانه آن‌ها را به عهده دارد. قطعاً اشعارم تحت تأثیر نگاه و آموزش‌های او است اما اشعار من کاملاً تقلید از ایشان نیست.

■ شما همیشه محتاطانه درباره شعر و چاپ کتاب‌ها حرف زده‌اید. این بار به نظراتان با یک کتاب شعر کامل روبه‌رو هستیم؟

بعد از کتاب اولم، سال ۱۴۰۰ نیز یک مجموعه شعر سپید با عنوان «به چهل سالگی‌ات رسیدیم» از انتشارات نگاه منتشر کردم. اما از سال ۱۳۹۹ شاگرد گروس عبدالملکیان هستم و مجموعه شعر جدیدم با نام «درخت‌ها قرار نمی‌کنند» از نشر مون محصول حضور در آن کارگاه‌ها و تحت تعلیم قرار گرفتن شعر از او است. به تعبیری این کتاب نخستین مجموعه شعر حرفه‌ای من پس از آموزش حرفه‌ای توسط استاد گروس است.

■ اشعار درخت‌ها قرار نمی‌کنند از کجا الهام گرفته شده و با چه مروتی است؟

اشعار این کتاب از سال ۱۳۹۹ به بعد سروده و نقد شده است. محتوا طبیعتاً تحت تأثیر شرایط و فضای زندگی خودم در آن روزگار بوده است. این کتاب یک مجموعه شعر سپید زنانه و عاشقانه با رویکرد تنهایی انسان و روزگار مدرن است. در جایی از این کتاب آورده‌ام که: «ما آدم‌های تنهایی هستیم و کیست که نداند تنهایی با مرگ هم نمی‌میرد...» به نظر من اشعار با انسان امروز، روزگار کنونی و تنهایی بی‌انتها ارتباط برقرار خواهد کرد.

■ اسم کتاب هم بسیار جالب است. چرا این نام را انتخاب کردید؟

اسم کتاب برگرفته از شعری در همین کتاب است. انتهای شعر سرودم: «من از تمام این تاریکی می‌ترسیدم اما همچنان ایستادم این گونه؛ یعنی درخت‌ها قرار نمی‌کنند». شعر را سال ۹۹ گفتم همان زمان تصمیم گرفتم این نام را برای کتاب سومم انتخاب کنم و همین هم شد. البته که تأیید آقای عبدالملکیان هم بی‌تأثیر نبود.

■ استقبال مخاطبان از کتاب‌ها چطور بوده است؟ در زمانه‌ای که استقبال از کتاب شعر کم و مهجور است،

گفت‌وگو با مژده لواسانی که به‌تازگی کتاب شعرش را رونمایی کرده است

با شعر طرف باشید نه شاعر!

می‌تواند اجرا کند و قطعاً موفق می‌شود.

نمونه خوب آن رامبد جوان است. من باید و نباید را بر اساس شغل آدم‌ها تعیین نمی‌کنم، بر اساس توانایی، استعداد و مهارت آن‌ها می‌سنجم. اگر بازیگری می‌تواند شعر خوب بگوید، حتماً باید این کار را بکند. مثلاً از نظر من اندیشه فولادوند بیشتر و پیش از اینکه یک بازیگر خوب باشد، یک شاعر فوق‌العاده است. او ترانه‌های بسیار خوبی گفته که رضا یزدانی خوانده و غزل‌های مدرن خیلی خوبی دارد. حرف من این است که با معیار یک شغل آدم‌ها را در حرفه‌های دیگر نسنجم. کسی که بازیگر است اما خوب می‌نویسد حتماً باید کتاب بنویسد. اما بعد که کتابش منتشر شد باید او را بر اساس چیزی که نوشته نقد کنیم؛ نه اینکه چرا یک بازیگر نوشته است! درباره شعر هم باید با شعر طرف باشیم نه شخصیت شاعر!

■ در این سال‌ها گلابیه‌های زیادی از سوی ناشران، نویسندگان و مخاطبان به حوزه چاپ و نشر بوده است. شما به عنوان یک چهره از چالش‌های این مسیر بگویید.

اساساً کتاب شعر و خاصه شعر سپید در سال‌های اخیر بسیار مهجور بوده است. بسیاری از ناشران دیگر سراغ چاپ کتاب شعر به خصوص سپید نمی‌روند چون فروش آچنانی ندارد. چون مردم عادت کردند در اینستاگرام بخوانند. خرید کتاب شعر از سید خرید خانواده خارج شده است. مهم‌ترین چالش ما هم مسئله قیمت کاغذ و قیمت نهایی مصرف‌کننده و تغییر ذائقه مخاطب بود. حتی من به ناشر گفتم اگر شده من حق تألیف هم بگیرم اما باید قیمت کتاب پایین باشد. در نهایت به لطف ناشر و بر اساس قیمت کاغذ، کمترین قیمتی که می‌شد، برای کتاب در نظر گرفته شد. راستش مردم هم حق دارند که در این شرایط سراغ خرید کتاب شعر نروند. در مجموع من ناشران خیلی خوبی داشتم و چالش‌های کمی در مسیرم قرار گرفت، اما چالش اصلی من حب و بغض‌های شخصی بود. همواره مژده لواسانی به جای شعرهایش قضاوت شده است. در همین مجموعه اخیر هم این چالش پیش آمد. قبل از انتشار عده‌ای توییت زدند که باز سلبریتی‌ها وارد شعر شدند! در زمانی که حتی شعرهای من را نخوانده بودند.

■ و در آخر با توجه به پیشینه ایران در زمینه شعر و شاعری و دوری مردم در این زمانه از شعر، چطور جامعه را با شعر آشتی دهیم؟

مسئله این است که مخاطب ذائقه‌اش تغییر کرده است. کسی هم اگر دنبال شعر باشد ترجیح می‌دهد در فضای مجازی آن را بخواند. به نظر همین که من در صفحه‌ام از شعر بنویسم، در رسانه و تلویزیون بیشتر از شعر سخن بگویم، دورهمی و رونمایی‌هایی به بهانه شعر بگیریم قدم مثبتی است.

امید که شعر جایگاه همیشگی خودش را در زندگی مردم ایران داشته باشد. این سرزمین با شعر آمیخته و جان گرفته است. ایران ما با زبان فارسی و شاعران بزرگ زنده مانده است. کجای جهان به اندازه ایران به شعر شناخته می‌شود؟ بماند که در غفلت و نابلدی ما کشورهای دیگر شاعران ما را می‌زدند و به نام خودشان ثبت می‌کنند که این بزرگ‌ترین درد است! اما اگر رودکی و مولانا به نام کشورهای دیگر باشند

مگر می‌توان کتمان کرد که آن‌ها فارسی شعر گفتند و ایرانی هستند؟ اگر یک وطن شعر داشته باشد؛ حتماً نام آن «ایران» است. ما باید میراثداران مفاخر زبان و ادب فارسی باشیم.



از دو کتاب قبلی به گواه تیراز که از چاپ دهم گذشته، استقبال خوبی شده است.

■ برای این کتاب مراسم رونمایی هم گرفتید، هر چند که با استقبال هنرمندان و مردم مواجه شد، اما همه‌جا هم کم نبود.

ما به شیوه مرسوم همه شاعران، نویسندگان و مترجمان، رونمایی برای یک کتاب شعر گرفتیم. مگر ما برای یک محصول لاکچری یا غذا رونمایی گرفتیم؟ ما برای یک محصول فرهنگی رونمایی گرفتیم. ما جمع شدیم که از شعر بگوییم. باید خوشحال باشیم آدم‌ها از هر قشری برای خواندن و گپ‌وگفت درباره شعر دور هم جمع شده‌اند. شعر برای من بسیار جدی است و سعی می‌کنم هر جایی و با هر کاری مردم را با شعر آشتی دهم. در یکی از اشعارم اشاره کردم که: «سایه‌ها دست‌هایشان تیر می‌شد...» متأسفانه دست بسیاری از دوستان برای زندگی‌های ما تیر است ولی درخت‌ها قرار نمی‌کنند.

■ در شرایطی که مردم شما را بیشتر در جایگاه مجری می‌شناسند، فکر می‌کنید به عنوان شاعر هم پذیرفتند؟

من تلاشم برای یادگیری به این جهت است که روز به روز سطح اشعارم را ارتقا دهم تا مردم من را به عنوان شاعر بشناسند. بدیهی است که همچنان اسم من تحت تأثیر شهرت اجرا باشد. من هر کاری هم بکنم از زیر سایه اجرا بیرون نمی‌آیم، چون از بچگی اجرا کردم و ابتدا به این وسیله دیده شده‌ام. تلاشم این است که در طول مسیر یادگیری خواندن و خواندن... نوشتن و نوشتن... شعرم به پختگی برسد تا حداقل آدم‌های متخصص این حوزه من را با شعرهایم بپذیرند و از مسیر اجرا جدا کنند.

■ در حال حاضر خودتان را بیشتر مجری می‌دانید یا شاعر؟

با لطف خدا و مردم، در اجرا همیشه با مهر مردم مواجه بودم. همیشه سعی کردم یک اجرای صمیمی و بی‌تکلف داشته باشم اما در انتخاب کردن، ترجیحم زندگی است. شعر برای زندگی است. اگر بخواهم برای زندگی شخصی‌ام یک زندگی عاشقانه انتخاب کنم، بی‌تردید شعر است. من وکیل هم هستم و بین شاعری، وکالت و مجری‌گری همیشه انتخابم شعر و شاعری است. اما کتمان نمی‌کنم که شغل من اجرا و وکالت است و مسیر خودشان را دارند.

■ از طرفی در این سال‌ها به وفور شاهد حضور سلبریتی‌ها به خصوص بازیگران به عنوان نویسنده و مترجم در عرصه نشر بودیم، اما کتاب‌های ماندگاری را شاهد نبودیم و تأثیری در وضعیت کتاب‌خوانی کشور نداشته است. نظراتان درباره این موضوع چیست؟

من یک نظر واحد در مورد کل این ماجراها دارم. آدم‌ها می‌توانند بر اساس استعداد و توانایی خودشان در هر حوزه‌ای وارد شوند. اما به شرطی که در آن حوزه توانمند باشند. حتماً یک بازیگر خوب اگر توانایی اجرا که متفاوت با بازیگری است، دارد